

دکتر عباسعلی حیدری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک
دکتر علیرضا صابریان، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

نقد و تحلیل فقهی بر تغلیظ دیه در ماه‌های حرام

چکیده

اگر قتل در یکی از ماه‌های حرام صورت گیرد یک سوم دیه بر میزان تعیین شده افزون می‌گردد که از آن به تغلیظ دیه یاد می‌شود. موضوع تغلیظ دیه در فتاوی فقه‌های امامیه مورد اشاره واقع شده و به صورت عموم فرقی بین انواع قتل گذاشته نشده است. در قانون مجازات اسلامی برای همه انواع قتل‌ها (عمد، شبه عمد و خطای محض) تغلیظ دیه در نظر گرفته شده است. قرآن کریم حکم حرمت ماه‌های حرام را بیان کرده اما سخنی از تغلیظ دیه در آن به میان نیامده است.

این نوشتار ضمن باز کاوی روایت‌های وارده در خصوص تغلیظ دیه در ماه‌های حرام با توجه به عدم صراحت روایت‌های مربوط به تغلیظ دیه مقدر به میزان یک سوم در قتل غیر عمدی و با توجه به عدم تحقق هتک حرمت در این نوع قتل به این نتیجه رسیده است که روایت‌های تغلیظ دیه شامل قتل غیر عمدی نشده و حکم تغلیظ دیه را می‌توان فقط در قتل عمد ثابت دانست. بنابراین آن چه که حکم تغلیظ دیه را در معرض تردید جدی قرار می‌دهد علاوه بر عدم صراحت روایات، فقدان عنصر قصد در قتل غیر عمدی است که بر این اساس انتهایکی (هتک حرمت ماه‌های حرام) تحقق نمی‌یابد تا بتوان در پی آن تغلیظ دیه را ثابت دانست.

کلید واژه:

دیه، فقه، تغلیظ دیه، انواع قتل

مقدمه

قتل به عنوان پدیده‌ای است که انسان از آغاز آفرینش تاکنون با آن مواجه بوده است. در وقوع این پدیده، گاهی قصد و اراده‌ی قاتل دخیل بوده و گاهی نیز بدون قصد و اراده قاتل به وقوع می‌پیوندد. آن چه که بر اساس مبانی شرعی دین مبین اسلام به عنوان یک اصل مطرح است، آن که «لایبطل دم امرء مسلم» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۱۰۶) یعنی خون هیچ مسلمانی ضایع نمی‌شود.

شاید بتوان براساس احکام فقهی اسلام، دایره‌ی شمول این اصل را گسترده تر کرد و بر این عقیده بود که خون هیچ محقون الدمی ضایع نمی‌شود. بر همین اساس قاتل و یا متعهدان وی باید تاوان عملش را بپردازند؛ حال این تاوان با توجه به نوع قتل و کیفیت وقوع آن می‌تواند متفاوت باشد؛ چرا که اگر قتل عمدی باشد، تاوان آن مقابله‌ی به مثل یا همان قصاص است و اگر غیرعمدی باشد، تاوان آن پرداخت مال یا دیه خواهد بود. البته هر دوی آنها از سوی اولیای مقتول، قابل گذشت بوده و هم چنین مجازات قصاص با تراضی قاتل و اولیای مقتول قابلیت تبدیل شدن به دیه را دارد. صرف نظر از آن که ماهیت حقوقی دیات را مجازات یا جبران خسارت و یا غیر این دو بدانیم، یکی از پرسش‌هایی که در خصوص پرداخت دیه، شامل آن که بدل از قصاص باشد یا نباشد مطرح می‌شود آن است که آیا زمان وقوع قتل اعم از عمدی یا غیرعمدی در تعیین میزان مالی که به عنوان دیه پرداخت می‌شود، مؤثر است؟ و به تعبیر دقیق تر از آنجا که به تصریح قرآن کریم برخی از ماههای سال، حرام نامیده شده است.^۱ آیا دیه‌ی مقرر در مورد قتلی که در این ماه‌ها به وقوع می‌پیوندد، تغلیظ می‌شود؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا تغلیظ دیه در ماه‌های حرام به قتل عمد اختصاص دارد؟ یا آن که شامل قتل غیرعمد نیز می‌شود؟ در این مقاله که از طرح پژوهشی مورد حمایت دانشگاه آزاد اسلامی اراک استخراج شده است، به تحلیل و نقد بر مبانی و مستندات فقهی عظام شیعه در مورد تغلیظ دیه در ماه‌های حرام پرداخته می‌شود. هم چنین سعی بر آن است که با توجه به اهمیت موضوع، تمامی روایت‌هایی که به نوعی به تغلیظ دیه و تشدید مجازات قتل در ماه‌های حرام اشاره دارند، مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد. بررسی

۱. «ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والارض منها اربعة حرم...» (توبه / ۳۶).

این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که بر اساس قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران (قانون مجازات اسلامی) برای وقوع قتل در ماه‌های حرام حتی اگر خطای محض باشد، تغلیظ دیه به میزان یک سوم دیه کامل مقرر کرده است (ماده‌ی ۲۹۹ ق.م.ا) و این موضوع شبهاتی را در این خصوص به وجود آورده است. هدف از این پژوهش آن است که ضمن تدقیق مبانی تغلیظ دیه و تبیین آن بتواند نتیجه حاصل شده را که عدم تغلیظ دیه در قتل غیرعمدی است به محافل علمی و مراجع قانون گذاری عرضه نماید تا قانون گذار در سیر مراحل قانون گذاری به اصلاح ماده‌ی مذکور اقدام نماید.

تعریف مفاهیم

۱. دیه در لغت و اصطلاح

آن چه که درباره‌ی ساختار واژه‌ی دیه می‌توان گفت آن است که دیه مصدری است از ریشه‌ی «ودی» که واو از ابتدای آن حذف و «ة» به جای آن در انتهای آن افزوده شده است. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۵/۳۸۳) از واژه‌هایی که از نظر ساختاری مشابه دیه محسوب می‌شود می‌توان از «عدة» و «هبة» نام برد که آن دو به ترتیب از ریشه‌ی «وعد» و «وهب» هستند. راغب اصفهانی در معنای دیه می‌نویسد: یعنی آن چه که در مقابل خون پرداخت می‌شود، دیه گفته می‌شود. (المفردات، ص ۵۱۸)

امام خمینی (ره) دیه را مالی می‌داند که به سبب جنایت بر نفس و جان فرد آزاد و یا جنایت بر کمتر از جان، واجب می‌شود. (تحریر الوسیله، ۲/۴۹۸) ماده‌ی ۲۹۴ ق.م.ا نیز آورده است: «دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا ولی یا اولیای دم او داده می‌شود».

۲. تغلیظ دیه

تغلیظ دیه از عبارتهایی است که فقهای عظام آن را بر اساس تعبیری برگزیده‌اند که در روایت‌های منقول از معصومین - علیهم السلام - وارد شده است. تعبیری مانند

۱. يقال لما يعطى في الدم دية (راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۱۸)

«تَغَلُّظٌ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ» که در بخش بررسی مستندات این نوشتار بدان‌ها اشاره خواهد شد. نویسنده‌ی کتاب معجم لغه الفقهاء، تغلیظ را مصدر «غَلِظَ» و مخالف «الرَّقَّةُ» و غلیظ را به معنای شدید قوی آورده و تغلیظ الدیه را به «زیادتها إِمَّا بِالْوَصْفِ أَوْ فِي الْعَدَدِ» (قلعجی، معجم لغة الفقهاء، ۳۸) معنی کرده است. یعنی تغلیظ دیه به معنای اضافه کردن آن است، یا افزودن به وصف آن، مثل آن چه که در سن شتر برای دیه مطرح می‌باشد و یا افزودن به تعداد آن، مانند افزایش یک سوم به دیه می‌باشد. موضوع تغلیظ در باب سوگند در محاکم قضایی نیز مطرح است که در آن جا نیز به معنای تشدید سوگند از نظر لفظی که به کار می‌رود یا از نظر مکان و یا زمان ادای آن است. (همان) البته به نظر می‌رسد که اگر دیه را مجازات بدانیم تغلیظ آن می‌تواند چیزی غیر از آنچه که به عنوان دیه پرداخت می‌شود، باشد؛ به ویژه آن که ماهیت جنایت و جرم مختلف است چرا که به خاطر قتل دیه و به دلیل انتهاک (هتک حرمت ماه‌های حرام) تغلیظ ثابت می‌شود. شهید ثانی می‌نویسد: اگر قتل در ماه‌های حرام، یعنی یکی از چهار ماه ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و رجب یا در حرم شریف مکی صورت گیرد یک سوم دیه از هر یک از اجناس به خاطر تشدید عقوبت به نفع مستحق اصل دیه بر آن افزوده می‌گردد، چون قاتل حرمت آن ماه یا مکان شریف را هتک کرده است. (شرح لمعه، ۱۸۲/۱۰)

۳. تعریف انواع قتل

در یک تقسیم بندی قتل به سه دسته تقسیم می‌شود؛ دسته‌ی اول قتل عمد و دسته‌ی دوم قتل شبه عمد و دسته‌ی سوم قتل خطای محض است. (همان، ۱۰۷/۱۰)

صاحب جواهر الکلام ضابطه‌ی تحقق هر یک از عناوین سه گانه‌ی قتل را به شرح زیر بیان می‌کند: (نجفی، ۴۳/۳)

الف) ضابطه‌ی تحقق عمد آن است که قاتل در فعل و قصد هر دو تعمد داشته باشد؛ به این معنی که هم فعل را و هم کشتن را قصد کند یا فعلی را قصد نماید که مانند آن فعل غالباً کشنده است.

ب) ضابطه‌ی شبه عمد آن است در فعلش تعمد داشته باشد اما قصد کشتن فرد را نداشته باشد. (و فعل هم غالباً کشنده نباشد.)

ج) ضابطه‌ی تحقق خطای محض آن است که هم در فعل و هم در قصد (کشتن) خطا کار است و در هیچ یک تعمد ندارد.

۴. ماه‌های حرام

با توجه به صراحتی که قرآن کریم در زمینه‌ی تعداد ماه‌های حرام دارد، چهار ماه را به عنوان ماه‌های حرام یاد کرده است و اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود. قرآن کریم در آیه‌ی ۳۶ از سوره‌ی توبه در این زمینه آورده است: همانا عدد ماه‌ها نزد خدا در کتاب خدا دوازده ماه است، از آن روزی که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید. چهار ماه از آن دوازده ماه، ماه‌های حرام خواهد بود... این دین استوار است، پس در آن ماه‌ها در حق خود ظلم و ستم نکنید. کلمه حُرْم جمع حرام است که به معنای هر چیز ممنوعی است و مقصود از آن چهار ماهی است که جنگ در آن‌ها ممنوع شده است.

شیخ طبرسی ذیل آیه‌ی مذکور، ضمن برشمردن ماه‌های مورد نظر، در بیان مفهوم «حُرْم» می‌نویسد که گناه هتک حرمت در این ماه‌ها نسبت به ماه‌های دیگر بزرگ‌تر است و اعراب آن ماه‌ها را بزرگ می‌شمارند تا آنجا که اگر فردی با قاتل پدرش در این ماه‌ها مواجه می‌شد به واسطه‌ی حرمتی که این ماه‌ها داشتند به او حمله ور نمی‌شد. (مجمع البیان، ۴۲/)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه‌ی شریفه، ضمن آن که مراد از ماه‌ها را در این آیه، ماه‌های قمری می‌داند. آن چهار ماه را: (ذی القعدة، ذی الحجّه، محرم و رجب) می‌شمارد. (۹/۲۶۷)

در تفسیر نمونه آمده است: «بعضی از مفسران تحریم جنگ در این چند ماه را از زمان ابراهیم خلیل می‌دانند که در دوره‌ی جاهلیت عرب نیز به عنوان سنت به قوت خود باقی بود هر چند آنها طبق امیال و هوس‌های خود گاهی جای این ماه‌ها را تغییر می‌دادند، ولی در اسلام همواره ثابت و بدون تغییر است که سه ماه آن پشت سرهم «ذی القعدة، ذی الحجّه و محرم» و یک ماه جداست و آن «رجب» است و به قول عرب‌ها سه ماه «سرد» (یعنی پشت سرهم) و یک ماه «فرد» است.» (مکارم شیرازی، ۷/۴۰۶)

هم چنین در آیهی ۲۱۷ از سورهی بقره نیز در مورد حکم جنگ و خونریزی در ماههای حرام آمده است: از تو دربارهی جنگ در ماه حرام سؤال می‌کنند، بگو جنگ در آن گران است....

این آیات و هم چنین آیات دیگری که در این مورد آمده است، اشاره به حرمت ماههای حرام دارد، اما آن چه در این آیات آمده، نهی جنگ و قتال و خونریزی و ظلم و ستم روا داشتن به خود و دیگران است که این کارها باعث می‌شود حرمت آن ماهها شکسته شود. اما در این آیات سخنی از تغلیظ دیه در قتل به میان نیامده است.

تغلیظ دیه در کلام فقها و قوانین موضوعه

بیشتر فقهای شیعه، قایل به تغلیظ دیه در تمامی انواع قتل هستند و در این حکم بین انواع مختلف قتل، شامل عمد و شبه عمد و خطای محض تفکیک قایل نشده‌اند. محقق اردبیلی در این باره می‌نویسد: اگر فردی، دیگری را در ماه حرام یا در حرم بکشد، ملزم به پرداخت یک دیه کامل و یک سوم دیه است. (مجمع‌الفائده و البرهان، ۱۴/۳۱۸)

علامه‌ی حلی نیز می‌نویسد: «اگر کسی در ماه حرام و یا در حرم مکه مرتکب قتل شود ملزم به پرداخت یک دیه و یک سوم دیه از هر جنسی از اجناس دیه که باشد خواهد بود این حکم از باب تغلیظ است و زاید بر یک دیه هم به مقتول اختصاص می‌یابد و در اعضاء تغلیظی نیست.

آیت الله خوئی (ره) در همه‌ی اقسام قتل قایل به تغلیظ دیه هستند. ایشان معتقدند: دیه‌ی قتل در ماههای حرام چه عمدی باشد و یا خطایی، کامل است به انضمام ثلث دیه و در این مسئله اختلافی بین فقها نیست، بلکه در کلام بعضی از آنها برای این مطلب ادعای اجماع شده است و برخی از روایات نیز بر این امر دلالت دارند. (مبانی تکمله المنهاج، ۲۰۱-۲۰۰).

امام خمینی نیز معتقدند، ارتکاب قتل در یکی از چهار ماه حرام و حرم مکه موجب تغلیظ دیه می‌شود. (تحریر الوسیله، ۲/۵۵۸)

استناد این گروه از فقها که تغلیظ دیه را در مطلق قتل اعم از عمد و شبه عمد و خطای محض ثابت می‌دانند روایت‌هایی است که در این زمینه وارد شده و اطلاق دارند؛ و شامل انواع قتل می‌شوند که در مباحث بعدی به آن‌ها اشاره خواهد شد.

ماده‌ی ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی از مشهور فقها تبعیت کرده و در تمام اقسام قتل، قایل به تغلیظ دیه شده است، آن جا که می‌آورد: «دیه‌ی قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه، محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد شش گانه‌ی مذکور در ماده‌ی ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند.»

قانون گذار در ماده‌ی مذکور تصریحی به عمد یا غیر عمد بودن قتل نکرده است. بنابراین قضات دادگاه‌ها یا به اطلاق ماده‌ی مذکور در صدور رأی تغلیظ دیه در انواع قتل استناد می‌کنند و یا با مراجعه به آرای معتبر فقها به واسطه‌ی اختیار حاصله از اصل ۱۶۷ قانون اساسی، به نظر مشهور فقها که همان تغلیظ در همه‌ی اقسام قتل است، عمل می‌نمایند.

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه، طی نظریه‌های مشورتی شماره‌ی ۷/۶۰۳۹ به تاریخ ۱۳۷۱/۷/۲۰ و شماره‌ی ۷/۲۱۵۶ به تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۶ به ترتیب اعلام داشته که تغلیظ دیه، ارتباطی به نوع قتل ندارد و ارتکاب قتل توسط صغیر نیز موجب تغلیظ است. (مصلحی، قانون مجازات اسلامی در آراء دیوان عالی کشور، ص ۱۵۱)

مبانی و مستندات فقها در تغلیظ دیه

روایت‌های منقول از معصومین - علیهم السلام - تنها مستند فقها در حکم تغلیظ دیه به میزان یک سوم درباره‌ی قتلی است که در یکی از چهار ماه حرام واقع گردد. اگر چه همه‌ی روایاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، مورد استناد فقها در تغلیظ دیه قرار نگرفته است؛ اما در این نوشتار، سعی بر آن است تا تمامی روایت‌هایی که به نوعی به تغلیظ دیه‌ی قتل در ماه‌های حرام اشاره دارند مورد بررسی سندی و دلالتی قرار گیرد، بر همین اساس روایت‌ها به سه گروه تقسیم شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

گروه اول: روایت‌هایی که به کلیت تغلیظ دیه و مجازات در قتل خطایی تصریح دارند.

یک دسته از روایت‌هایی که بیانگر نوعی تغلیظ در دیه است، روایاتی هستند که در آن به عنوان قتل خطایی تصریح شده است که در این دسته به سه روایت اشاره می‌شود. **روایت نخست:** « مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ تَغَلَّظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنَ الشَّهْرِ الْحَرَمِ قُلْتُ فَإِنَّهُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ فَقَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ يَوْمَ الْعِيدِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لَزِمَهُ. » (شیخ کلینی، الکافی، ۱۰/۳۸۰)

روایت مذکور از زراره نقل شده است. راوی می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره‌ی مجازات فردی که مردی را در ماه حرام و به خطا بکشد، پرسیدم. آن حضرت در پاسخ فرمودند: دیه بر او تغلیظ می‌شود و بر عهده‌ی اوست که بنده‌ی او را آزاد سازد یا دو ماه پی در پی از ماه‌های حرام را روزه بگیرد. راوی می‌گوید به آن حضرت عرض کردم: در این صورت و با وجوب روزه، مشکلی ایجاد خواهد شد. حضرت فرمودند: آن مشکل چیست؟ عرض کردم: (ایامی که باید روزه بگیرد) با روز عید و ایام تشریق^۱ برخورد می‌کند. (که روزه گرفتن در آن روزها حرمت دارد) حضرت در پاسخ فرمودند: روزه می‌گیرد چرا که این حکم حقی است که بر او لازم گردیده است.

روایت دوم: « مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ تَغَلَّظُ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ وَ عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ

۱. سه روز بعد از عید قربان را که روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذی‌الحجه می‌باشد، ایام التشریق گویند. حجاج در این سه روز برای انجام رمی جمرات در منی اقامت می‌کنند. (فتح الله، معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۷۸؛ قلجی، معجم لغة الفقهاء، صص ۴۶۰ و ۹۷).

مُتَّابِعِينَ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ قُلْتُ فَإِنَّهُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ فَقَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ يَوْمَ الْعِيدِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرِمَّةٍ. (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴/۲۹۷)

تنها تفاوتی که این روایت با روایت اول دارد آن است که به جای عبارت «تَغَلَّظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ» از «تَغَلَّظُ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ» استفاده شده است، یعنی مجازات بر وی تغلیظ می‌شود.

روایت سوم: در کتاب عوالی اللثالی همین روایت با اندکی تفاوت در عبارات آن آمده است. بدین صورت که: «رَوَى زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ حَطًّا فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ تَغَلَّظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَّابِعِينَ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحَرَامِ أَوْ إِطْعَامُ قُلْتُمْ فَيَدْخُلُ فِيهِ الْعِيدِ وَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرِمَّةٍ.» (ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، ۳/۱۴۴)

این روایت، قریب به همان الفاظ و عبارات روایت اول آمده، با این تفاوت که سلسله‌ی روایان ذکر نشده است و در تغلیظ دیه قاتل را بین سه چیز مخیر دانسته که سومین آن اطعام است و این قید اطعام در دو روایت دیگر وجود ندارد.

بررسی سندی و دلالتی روایات

از جمله نکته‌های مهم، درباره‌ی این روایت‌ها، آن است که هیچ یک از فقهای عظام شیعه در باب تغلیظ ثلث دیه به روایات مذکور استناد نکرده‌اند؛ اما در مبحث مربوط به حرمت روزه گرفتن در ایام تشریق و عید، هم چنین درباره‌ی وجوب کفاره بر قاتل در صورت ارتکاب قتل در یکی از ماه‌های حرام، این روایت را مورد بررسی قرار داده‌اند. بیشتر فقهای شیعه معتقدند که روزه گرفتن در ایام تشریق در منی، حرام است؛ (محقق راقی، مستندالشیعه، ۱۰/۵۰۹) اما شیخ طوسی (ره) یک مورد را استثنا کرده‌اند (شیخ طوسی، النهایه، ص ۱۶۶) و آن روزه گرفتن قاتلی است که به خطا کسی را به قتل رسانده باشد و به عقیده‌ی شیخ، به استناد روایت مذکور قاتل مجاز است در ایام تشریق هم روزه بگیرد. فقهایی که روزه گرفتن در ایام تشریق در منی را به طور مطلق حرام می‌دانند، معتقدند که علاوه بر آن که روایات مذکور از نظر دلالت بر مطلوب ضعف دارد از نظر سند نیز

ضعیف محسوب می‌شود، چرا که در سلسله‌ی راویان آن سهل بن زیاد وجود دارد و فقهای شیعه به واسطه‌ی وجود این راوی آن را از جمله روایات ضعیف تلقی کرده‌اند. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۰/۱۱۸؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵/۲۱۱)

جالب توجه آن است که شیخ طوسی (ره) خود نیز در کتاب الاستبصار روایات سهل بن زیاد الادمی (ابوسعید) را ضعیف معرفی کرده است. ایشان در این باره و در ذیل روایت مربوط به ظهار می‌نویسد: خبر اول روایت ابوسعید (سهل بن زیاد) است که آن خبر نزد نقد کنندگان روایات بسیار، ضعیف محسوب می‌شود (۳/۲۶۱). سید خویی (ره) درباره‌ی روایت مذکور می‌نویسد: این روایت اگر چه بر تخییر قاتل بین آزاد کردن بنده و روزه گرفتن دلالت دارد، اما از نظر سند ضعیف است؛ چرا که در سند آن سهل بن زیاد است که وثاقت و ستایشی از وی ثابت نیست؛ بنابراین به هیچ روی نمی‌توان به آن روایت اعتماد کرد. (مبانی تکملة المنهاج، ۲/۲۰۳)

محقق اردبیلی در بحث مربوط به تغلیظ دیه اگر چه به این روایت استناد نمی‌کند اما درباره‌ی آن تعبیری را به کار می‌گیرد که حکایت از صحیح بودن روایت مذکور در نزد ایشان دارد. او می‌نویسد: «وفی الفقیه بعد نقل صحیح زرارۀ فی لزوم صوم العید و آیام التشریق فی کفارة القتل فی أشهر الحرم...» (محقق اردبیلی، مجمع الفائدة، ۱۴/۳۱۸) ایشان طی عبارت مذکور روایتی را که در کتاب من لایحضره الفقیه از زرارۀ نقل شده است - مبنی بر آن که در کفاره‌ی قتل در ماه‌های حرام، روزه‌ی عید و ایام تشریق لازم می‌باشد - صحیح نام برده است. (همان)

شاید فرازی که بتوان از آن برای استنباط افزایش یا همان تغلیظ دیه بدان استناد کرد، عبارت «تُعَلِّظُ عَلَيْهِ الدِّيَةَ» می‌باشد. اما نکته‌ی قابل ذکر آن است که آیا مراد از تغلیظ دیه افزایش مبلغ دیه است یا این که منظور آن است که علاوه بر دیه، مجازات شخصی و غیر مالی دیگری نیز برای وی در نظر گرفته می‌شود که آن مجازات عبارت است از این که جانی، بنده‌ای را آزاد سازد و یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد و البته براساس سومین روایت جانی می‌تواند اطعام مسکین را برگزیند. به نظر می‌رسد برداشت دوم دور از ذهن و غیر محتمل نباشد؛ به ویژه با توجه به عبارت متفاوتی که

در روایت دوم آمده است مبنی بر آن که «تَغْلِظُ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ» یعنی مجازات بر جانی تغلیظ می‌شود.

این روایت، جدای ضعفی که در سند دارد و مورد استناد فقها در تغلیظ دیه قرار نگرفته است؛ اما بر قتل خطایی تصریح دارد، بدین معنی که اگر کسی در یکی از ماه‌های حرام مرتکب قتل خطایی شود دیه بر او تغلیظ می‌شود؛ بنابراین یکی از سؤالات قابل طرح آن است که آیا تشدید مجازات و تغلیظ دیه با انجام فعلی که از روی خطا سر زده باشد، تناسب دارد؟

نویسنده‌ی کتاب مجمع الفائدة و البرهان در بحث مربوط به روزه‌ی حرام ضمن بیان این که روزه‌ی دو عید (قربان و فطر) حرام است به نقل از نویسنده‌ی کتاب المنتهی آن را به کافه‌ی علما نسبت می‌دهد و به فتوای شیخ طوسی در این باره که روزه‌ی قاتلی که در ماه حرام مرتکب قتل می‌شود اشاره دارد مبنی بر آن که روزه‌ی وی در روز عید قربان حرام نیست و به روایت مذکور به عنوان روایت مورد استناد شیخ اشاره و علاوه بر ذکر ضعف سندی در بیان اشکال دلالتی آن آورده‌اند: شیخ به دلیل آن که قتل خطایی است، تناسبی با تغلیظ دیه ندارد. (همو، همان، ۵/۲۱۲) از این کلام استفاده می‌شود که گویا محقق اردبیلی، تغلیظ دیه را در قتل خطایی مناسب نمی‌داند.

گروه دوم: روایت‌هایی که به تغلیظ دیه به میزان یک سوم در مطلق قتل اشاره دارد

روایت نخست: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ كَلْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَقُولُ مَنْ قَتَلَ فِي شَهْرِ حَرَامٍ فَعَلَيْهِ دِيَةٌ وَ ثُلُثٌ.» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰/۲۱۵)

کلب ابن معاویه نقل می‌کند که از امام صادق (ع) شنیدم که فرمودند: هر کس در ماهی حرام مرتکب قتل شود، یک دیه و یک سوم دیه بر عهده‌ی اوست. روایت دیگری که دقیقاً به همین معنی است و با عبارتی نزدیک به آن در کتاب‌های «من لا یحضره الفقیه» (شیخ صدوق، ۴/۱۰۷) و «عوالی اللثالی» (ابن ابی جمهور، ۳/۶۱۱) نیز نقل شده است.

روایت دوم: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ كَلِيبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ الرَّجُلِ يُقْتَلُ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ مَا دِيَّتُهُ قَالَ دِيَّةٌ وَ ثُلُثٌ.» (کلینی، الکافی، ۷/۲۸۲؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۲۹/۲۰۳) کلیب اسدی می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم دیه‌ی مردی که در ماه حرام کشته می‌شود، چه میزان است؟ فرمودند: یک دیه و یک سوم دیه.

روایت دوم در سلسله‌ی روایان با روایت نخست متفاوت است. به علاوه آن که روایت دوم به صورت پرسش و پاسخ نقل شده است؛ اما از نظر مفاد، تفاوتی بین آن دو نیست. عین همین روایت را القاسم بن محمد الجوهری نیز از کلیب اسدی نقل کرده است. (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۹۷)

روایت سوم:

الف) «علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن اَبی عمیر، عن ابان بن تغلب، عن زرارة قال: قلت لابی جعفر - علیه السلام - رجل قتل رجلا فی الحرم ؟ قال: علیه دية وثلث ویصوم شهرین متتابعین من أشهر الحرم ویعتق رقبة ویطعم ستین مسکینا، قال: قلت: یدخل فی هذا شیء، قال: وما یدخل ؟ قلت: العیدان وایام التشریق، قال: یصومه فإنه حق لزمه.» (کلینی، الکافی، ۴/۱۳۹؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۰/۳۸۰) زراره می‌گوید از امام باقر (ع) درباره‌ی فردی سؤال کردم که مردی را در حرم (یا ماه‌های حرام، بر اساس اختلافی که در تلفظ آن وجود دارد) بکشد سؤال کردم، آن حضرت فرمودند: بر عهده‌ی اوست که یک دیه‌ی کامل به علاوه یک سوم دیه را بپردازد و دو ماه پیایی از ماه‌های حرام را روزه بگیرد و بنده ای را آزاد سازد و شصت مسکین را اطعام نماید. راوی می‌گوید به حضرت عرض کردم مشکل در این مسأله وارد می‌شود. امام فرمودند: چه مشکلی؟ راوی می‌گوید عرضه داشتیم: روزه‌ی دو عید و ایام تشریق (که روزه گرفتن در آن روزها حرام است) داخل در حکم لزوم دو ماه پیایی می‌شود. حضرت فرمودند: آن روزها را روزه می‌گیرد، چون حقی است که بر وی لازم گردیده است.

ب) همین روایت با دو مورد تفاوت در کتاب‌های روایی تهذیب الاحکام و وسائل الشیعه نیز نقل شده است. تفاوت اول در سلسله‌ی روایان آن است که به جای «ابان بن

تغلب»، «ابان بن عثمان» آمده است و او هم با واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده اند و تفاوت دیگر در عبارت «قلت العیدان» است که به جای آن «قلت العید» ذکر شده است. (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰/۲۱۶؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۲۹/۲۰۴)

بررسی سندی و دلالتی روایت

روایت‌های اول و دوم که کلیب الاسدی آنها را از امام صادق (ع) نقل کرده است، از مهم ترین و شاید بتوان گفت تنها مستند فقهای شیعه در صدور حکم تغلیظ یک سوم دیه درباره‌ی قتلی می‌باشد که در ماه‌های حرام واقع می‌شود. به همین جهت بررسی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس بررسی رجال حدیثی که انجام شده، کلیب الاسدی، همان کلیب بن معاویه الاسدی است. (لوح فشرده المعجم، بخش رجال)

نویسنده‌ی کتاب ملاذ الأخبار در خصوص این روایت که از طریق کلیب اسدی نقل شده است، می‌نویسد مخفی نیست که این روایت از کلیب به طرق متعدد وارد شده است که بیشتر آنها تا کلیب صحیح هستند و اما کلیب از افراد حَسَن قابل اعتماد محسوب می‌شود همان طور که در کتاب تنقیح المقال آمده است که وی دارای کتابی است و گروهی از بزرگان مثل صفوان و ابن ابی عمیر و غیر آن دو از بزرگان شیعه از آن کتاب روایت کرده‌اند. این مسأله علاوه بر آن است که وقتی اصحاب به روایت عمل کرده باشند ضعف آن جبران می‌شود پس اشکالی در این مسأله (عمل به روایت) نیست. (رک، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ۱۶/۴۵۲)

آیت الله خویی (ره) در کتاب الصلاة و مبحث مربوط به نماز میت روایتی را که کلیب اسدی طی آن از امام صادق (ع) درباره‌ی تکبیر بر میت نقل می‌کند و پس از آن در خصوص اعتبار آن می‌نویسد: به واسطه‌ی حضور کلیب اسدی در جمع راویان این روایت ضعیف محسوب می‌شود؛ (موسوی خویی، کتاب الصلاة، ۹/۸۶) چرا که وی مورد توثیق واقع نشده است. این اظهار نظر مرحوم خویی در حالی است که در بیان ادله‌ی مربوط به تغلیظ دیه‌ی قتل در ماه‌های حرام ضمن استناد به روایت کلیب اسدی از آن به «صحیح‌هی کلیب الاسدی» تعبیر کرده است. (همو، مبانی تکمله المنهاج، ۲/۲۰۰)

اما در زمینه روایت سوم، نکته‌هایی مهم به نظر می‌رسد:

۱. اولین فقیه‌ی که به این روایت علاوه بر مبحث روزه‌های حرام در باب تغلیظ دیه نیز بدان اشاره کرده، صاحب کتاب جواهر الکلام است (نجفی، ۴۳/۲۶) و تمامی فقهای قبل از ایشان که این روایت را در کتاب‌های فقهی خود آورده‌اند، به نقل از شیخ طوسی آن را دلیل بر عدم حرمت روزه در عید قربان و ایام تشریق در منی دانسته‌اند که مشهور فقها استناد به این روایت و روایات مشابه را برای اثبات این ادعای شیخ کافی و قابل قبول ندانسته‌اند. (عاملی، مدارک الاحکام، ۶/۲۵۳) البتّه صاحب جواهر و معدود فقهایی که پس از وی در تغلیظ دیه به این روایت اشاره کرده‌اند، مربوط به تغلیظ دیه‌ی قتلی است که قاتل در حرم کعبه مرتکب آن شود، نه در ماه‌های حرام. (نجفی، ۴۳/۲۶)
 ۲. این روایت همانند روایات اول و دوم مذکور در این بحث به تغلیظ دیه در مطلق قتل و بدون مشخص کردن نوع آن اعم از عمدی و غیر عمدی اشاره دارد.
 ۳. راوی این روایت بر خلاف دو روایت قبلی، زراره است و همان طور که ذکر شد این روایت از بین کتب اربعه در اصول کافی و تهذیب الاحکام ذکر شده است.
 ۴. سید خویی (ره) روایت مذکور را در قسمت (الف) از روایت سوم ضعیف می‌داند و در باره‌ی آن می‌نویسد: این روایت ضعیف محسوب می‌شود، زیرا ممکن نیست «ابن ابی عمیر» بدون واسطه از «أبان بن تغلب» روایت کند و چون واسطه‌ی بین این دو راوی معلوم نیست، بنابراین روایت ضعیف محسوب می‌شود. (کتاب الصوم، ۲/۲۶۸)
- ایشان در ادامه شبهه‌ی سرایتِ ضعفِ این حدیث را به روایتِ دیگری که نزدیک به همین مضمون آمده است، منتفی می‌داند و می‌فرماید: ضعف این روایت به روایتی که شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است، سرایت نمی‌کند، زیرا که آنها دو روایتی هستند که یکی از آن دو از امام صادق (ع) است و آن را «ابن ابی عمیر» بدون واسطه از «أبان بن عثمان» روایت کرد و دیگری از امام باقر (ع) است که آن را «ابن ابی عمیر» با واسطه‌ای (نامعلوم) از «أبان بن تغلب» روایت کرد.
- ایشان می‌نویسد با فرض آن که بپذیریم این دو روایت (مذکور در قسمت الف و ب از روایت سوم) یکی هستند، پس به ناچار باید روایتی را که شیخ طوسی نقل کرده است، صحیح بدانیم و به وقوع تحریف در نسخه‌های کافی ملتزم شویم؛ زیرا که روایت ابان بن تغلب از زراره معلوم نیست و در کتب اربعه غیر از این روایت، هیچ روایت دیگری ابان بن تغلب از زراره نقل نکرده است. (همو، همان جا)

۵. یکی از اشکالاتی که صاحب جواهر به روایتی که ابان بن تغلب از زراره نقل کرده است، وارد می‌داند آن است که در این روایت تعبیر «العیدان» آمده است در حالی که در ماه‌های حرام فقط یک عید وجود دارد و آن عید قربان است. (نجفی، جواهر الکلام، ۴۳/۲۸)

۶. در باره‌ی واژه‌ی «الحرم» که در سؤال راوی مطرح شده است مبنی بر این که «رجل قتل رجلا فی الحرم» صاحب جواهر به دو دلیل احتمال آن را که حرف حاء و راء در آن مضموم باشد و جمع مکسر «الحرام» و به عنوان صفت برای «الاشهر» باشد، منتفی نمی‌داند. (همو، همان، ۴۳/۲۷) دلایل ایشان به شرح زیر است:

الف) نسخه‌ای از اصول کافی که بسیار معتبر است نزد من است که واژه‌ی مذکور را با دو ضمه «الحُرْم» حرکت گذاری کرده است.

ب) قسمت پایانی روایت که آمده است: «قال: یصوم شهرین متتابعین من أشهر الحرم...»، مؤید همین مطلب است؛ چرا که کفاره‌ی قاتل مربوط به قتلی است که در یکی از ماه‌های حرام واقع شود نه در حَرَم.

روایت‌های مذکور بر تغلیظ یک سوم به دیه‌ی مقرر برای قتل تصریح دارد؛ اما یکی از نکته‌های مهم، آن است که آیا این روایات به تغلیظ دیه در قتل عمد اشاره دارد یا آن که شامل قتل غیر عمد نیز می‌شود؟ در پاسخ باید گفت آن چه که از اطلاق این روایات برمی‌آید آن است که در کلام قیدی که ما بتوانیم از آن برای اختصاص روایات به قتلی خاص بهره بگیریم وجود ندارد، بنابراین به استناد اصالة الاطلاق می‌توان به این اعتقاد تمایل یافت که مراد از قتل در این روایات، شامل عمد و شبه عمد و خطای محض است همان طور که برخی از فقها به تغلیظ دیه در تمامی انواع قتل تصریح کرده‌اند. (حسینی روحانی، فقه الصادق، ۲۶/۱۹۱)

البته این اعتقاد خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد از جمله آن که یکی از عناصر مهم تعیین مجازات و حتی تشدید آن عنصر قصد است؛ بنابراین وقتی در قتل خطای محض قاتل قصدی نسبت به کشتن مقتول نداشته، چطور ممکن است علاوه بر آن که دیه‌ی مقرر را بر وی مجازات دانست، فراتر از آن مجازات قاتل غیرعامد را تغلیظ کرد؟ هم چنین با توجه به آن که دأب شارع مقدس به واکنش و شدت عمل بیشتر در مقابل جانی عامد در مقایسه با جانی غیرعامد است، چطور ممکن است میزان افزایش دیه از

باب تغلیظ در همه‌ی انواع قتل مثل هم باشد؟ اگر بپذیریم سبب تغلیظ دیه‌ی قتل در ماه‌های حرام آن گونه که برخی از فقها گفته‌اند، (شهید ثانی، الروضه‌البهیة، ۱۰/۱۸۲) هتک حرمت و یا همان انتهاک باشد؛ با فقدان عنصر قصد در قتل غیر عمدی چگونه ممکن است هتک حرمت ماه‌های حرام تحقق یابد؟ اگر براساس روال جاری و تصریح برخی از فقها (نجفی، جواهر الکلام، ۴۳/۲۹)، اولیای مقتول را مستحق بهره مندی از افزایش دیه بدانیم، جای طرح این سؤال وجود دارد که هتک حرمت ماه‌هایی که شارع مقدس برای آن حرمتی قایل شده است، چه ارتباطی به اولیای مقتول پیدا می‌کند؟

با توجه به این اشکال‌ها آیا می‌توان به نوعی تغلیظ دیه‌ی مصرح در این روایت‌ها را به قتل عمد و شبه عمد اختصاص داد؟ در بررسی و یافتن پاسخ این سؤال اساسی و مهم باید اشاره کرد که اگر بخواهیم فقط به این روایت‌های و بدون عنایت به سایر روایت‌های وارده در این خصوص و هم چنین بدون توجه به قواعد و اصول حقوقی حاکم بر روابط اجتماعی انسان‌ها توجه کنیم احتمالاً به همان نتیجه‌ای دست یابیم که بیشتر فقها بدان رسیده‌اند؛ بنابراین سعی خواهد شد در پاسخ به سؤال مذکور این روایات با توجه به سایر مبانی و مستندات مربوط مورد بررسی قرار گیرد.

ممکن است گفته شود که روایت کلیب در مرحله‌ی نخست بر قتل غیر عمدی دلالت دارد و دلالت آن بر قتل عمدی در مرحله‌ی بعدی و به طریق اولی خواهد بود، چرا که حکم اولی در قتل عمد قصاص است نه دیه و همین که حضرت صادق (ع) در پاسخ به سؤال سائل دیه را مطرح کرده‌اند، بیانگر غیر عمدی بودن قتل است. در پاسخ می‌توان گفت که درست است حکم اولی در قتل عمد قصاص است ولی ظاهراً روایات در پاسخ به سؤالی درباره‌ی میزان دیه‌ی قتل بوده است، پس، می‌توان فرض را بر این گرفت که اولیای دم در قتل عمد از قصاص صرف نظر نموده و به دریافت دیه راضی شده‌اند. به علاوه به نظر می‌رسد لسان روایات به گونه‌ای است که در قتل عمدی نیز دیه را مطرح کرده باشند. به عنوان نمونه آیت الله خویی در زمینه‌ی ذکر مؤیدی برای حکم کفاره‌ی جمع در قتل عمد به روایتی استناد می‌کند که می‌توان از آن نتیجه گرفت که در قتل عمد نیز روایات به پرداخت دیه اشاره دارند، بنابراین به دلیل ذکر پرداخت دیه در روایات نمی‌توان این گونه نتیجه گرفت که مراد از روایت قتل غیر عمد است. مفهوم روایت مورد نظر این است: از حضرت درباره‌ی مجازات اخروی گناه فردی که عمداً

دیگری را به قتل رسانده است، سؤال شده است که فرمودند: مجازاتش جهنم خواهد بود. راوی می‌پرسد که آیا برای وی فرصت توبه‌ای هست؟ حضرت فرمودند بلی در صورتی که دو ماه روزه بگیرد و شصت مسکین را اطعام نماید و بنده‌ای را آزاد کند و دیه‌ی مقتول را بپردازد، توبه‌ی او پذیرفته می‌شود. عبارت «یؤدی دیته» در انتهای روایت در حالی ذکر می‌شود که نوع قتل عمدی است؛ پس نمی‌توان به صرف ذکر عباراتی مشابه، نوع قتل را غیر عمد دانست. (رک، مبانی تکمله المنهاج، ۲/۲۰۰)

گروه سوم: روایت‌هایی که فقط به روزه گرفتن - به عنوان تشدید مجازات - اشاره

دارد

برخی از روایت‌ها که از امام صادق و امام باقر - علیهما السلام - نقل شده‌اند و زراره به عنوان راوی بلافصل از آن دو امام است، قاتلی را که در ماه حرام مرتکب قتل می‌شود، مکلف به دو ماه پیاپی روزه گرفتن در همان ماه‌های حرام می‌داند.

روایت نخست: «عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَقُولُ إِذَا قَتَلَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ حَرَامٍ صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ.» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰/۲۱۶) زراره می‌گوید از امام باقر(ع) شنیده‌ام که می‌فرمود: هر گاه مردی در ماه حرامی مرتکب قتل شود، دو ماه پیاپی از ماه‌های حرام را روزه بگیرد.

محقق اردبیلی در ضمن نسبت دادن لزوم روزه گرفتن قاتل در روز عید قربان و ایام تشریق به شیخ طوسی با بیان این روایت به عنوان مستند شیخ از آن به «صحیح» تعبیر کرده است. (مجمع الفوائد، ۱۳/۴۰۷) این همان تعبیری است که آیت الله خوئی نیز آن را بکار برده است. (مبانی تکمله المنهاج، ۲/۲۰۲)

براساس این روایت به نظر می‌رسد امام(ع)، مجازات اصلی جانی و قاتل که همان دیه یا قصاص باشد را مفروغاً عنه گرفته و به تکلیفی مضاعف اشاره دارد که همان روزه گرفتن به مدت دو ماه است که هم باید پیاپی باشد و هم از ماه‌های حرام باشد. در این روایت نیز قتل به طور مطلق آمده و نوع خاصی از آن را ذکر نکرده است.

روایت دوم: «الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي أَشْهُرِ الْحَرَمِ قَالَ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ قُلْتُ إِنَّ هَذَا يَدْخُلُ فِيهِ الْعِيدُ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ فَقَالَ يَصُومُهُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لَزِمَهُ.» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۰/۲۱۶؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۱۱۰؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۲۹/۲۰۴) راوی نقل می‌کند که از حضرت صادق (ع) درباره‌ی مجازات فردی که مردی را در یکی از ماه‌های حرام به خطا می‌کشد، سؤال کردم که آن حضرت فرمودند: بر عهده‌ی قاتل است که دیه را بپردازد و دو ماه پیاپی از ماه‌های حرام را روزه بگیرد. راوی می‌گوید به حضرت عرض کردم با وجوب دو ماه روزه پیاپی در ماه حرام موجب می‌شود که عید قربان و ایام تشریق (که روزه در آن روزها حرام است) در آن وارد شوند. امام فرمودند: باید آن روزها را روزه بگیرد، زیرا این حقی است که بر وی لازم گردیده است.

برخی از فقهای شیعه علی بن رباب را به عنوان راوی ثقه دانسته و حتی روایات ایشان را صحیحه معرفی کرده‌اند. (محقق اردبیلی، مجمع الفائدة، ۶/۱۳۸) در هامش کتاب نه‌ایة المرام ذیل روایتی که علی بن رباب یکی از رواات آن بوده، آمده است: نجاشی وی را توثیق نکرده اما شیخ طوسی (ره) او را مورد توثیق قرار داده است. (عاملی، ۱/۱۴۰)

آن چه که در این روایت قابل ملاحظه به نظر می‌رسد آن است که در قتل خطایی که در ماه حرام واقع شود اساساً بیش از یک دیه‌ی کامل بر عهده‌ی جانی قرار نمی‌گیرد.

جمع بندی روایت‌ها

با بررسی هر سه گروه از روایت‌های مذکور جمع بندی زیر به دست می‌آید:

۱. از مجموع روایات ذکر شده برخی از آنها در باب تغلیظ دیه مورد استناد فقها قرار گرفته است. روایت‌های گروه اول که به تغلیظ دیه و یا تغلیظ عقوبت و مجازات در قتل خطایی اشاره دارد، یا به دلیل ضعف سندی آن و یا به خاطر آن که به افزایش ثلث دیه اشاره ندارد، مورد عنایت و توجه فقها در این باب قرار نگرفته است. روایت‌های گروه

سوم هیچ صراحتی به تغلیظ یک سوم دیه ندارند و مطلقاتی هستند که حمل بر مقیدات شده‌اند و فقها به صورت مستقل به این روایات استناد نکرده‌اند.

بنابراین فقها برای اثبات تغلیظ دیه به میزان یک سوم در پی قتل که در یکی از ماه‌های حرام به وقوع بپیوندد، فقط به روایات گروه دوم به ویژه دو روایت نخست آن استناد کرده‌اند.

۲. یکی از نکته‌های که در مقایسه‌ی بین این سه گروه از روایت، می‌توان گفت آن است که مطابق مبنای مشهور از فقها که عمل اصحاب به یک روایت - اگر چه ضعیف باشد - را موجب تقویت آن دانسته به گونه‌ای که آن را جابر ضعف سند روایت مورد نظر می‌دانند، بر این اساس این وجه رجحان در روایات گروه دوم از نظر سندی به چشم می‌خورد؛ زیرا که اغلب فقها در بحث تغلیظ دیه به دو روایت نخست گروه دوم عمل کرده‌اند.

۳. صاحب کتاب کشف اللثام تغلیظ دیه را مختص به قتل عمد می‌داند. ایشان در تغلیظ دیه‌ی قتل که در ماه‌های حرام اتفاق بیفتد صورت مسأله را به گونه‌ای مطرح می‌کند که حکایت از اعتقاد وی به تغلیظ دیه به میزان یک سوم در قتل عمد دارد؛ چرا که در موضوع مورد نظر اشاره دارند که اگر قتل در یکی از ماه‌های حرام واقع شود و اولیای دم بخواهند از قاتل دیه بگیرند، بر عهده‌ی قاتل است که یک دیه به خاطر قتل و یک سوم دیه به خاطر هتک حرمت ماه حرام بپردازد، اما اگر طلب قصاص کنند، قاتل کشته می‌شود. ایشان در عبارتی صریح تر آورده‌اند: ظاهر آن است که حکم تغلیظ دیه به میزان یک سوم به قتل عمد اختصاص دارد، همان طور که عبارت شیخ در النهایه و تعلیل فقهای امامیه به انتهاک بدان حکایت دارد و اصل (برائت) بر این امر دلالت دارد و در مورد خلاف اصل به مورد یقین بسنده می‌شود. (فاضل هندی، ۲/۴۹۶)

صاحب جواهر الکلام با ذکر عبارت کشف اللثام بعد از اندکی تردید در این حکم، در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اجرای اصل عملی (برائت) بدون مانع است آن جا که می‌گوید: «فالاصل حیثئذ بحاله» (نجفی، ۲۸/۴۳).

هم چنین ایشان علت تغلیظ دیه را هتک حرمت ماه‌های حرام دانسته و با بیان این علت، حکم را تعمیم داده و حکم تغلیظ دیه را شامل قتل در مرقد‌های ائمه معصومین علیهم السلام را غیر بعید دانسته است؛ آن جا که می‌آورد:

بعید نیست الحاق مرقد های نورانی به قتل در حرم در حکم تغلیظ دیه باشد، همان گونه که در کتاب نهاییه (علامه حلی) احتمال داده شده است، بلکه تعدادی از فقها این مطلب را استنباط کرده اند اگرچه ابن ادریس در نقل عبارت شیخ طوسی این امر را انکار کرده است و علت انکار را عدم دلیل از کتاب و سنت و اجماع دانسته، اما اشکال در این سخن آن است که علت تغلیظ مذکور به خاطر هتک حرمت است و این هتک در مرقد های شریف، به دلیل قطعی شدیدتر از حرم مکه است، بنابراین از فاضل مقداد حکایت شده که ایشان با تنقیح مناط و با حکم عقل و اولویت عرفی این شدت را اثبات کرده است که مرقد های شریف ائمه علیهم السلام افضل از مکه است، پس افضل از حرم می باشد. (رک، همو، ۲۹/۴۳)

با همین دیدگاه سید محمد کلانتر در شرح عبارت شهید اول و شهید ثانی که قائل به تغلیظ دیه در مطلق قتل هستند، می نویسد: ظاهر عبارت شهید حکایت از آن دارد که تغلیظ حکم دیه عام است و شامل قتل عمد، شبه عمد و خطای محض می شود. اما هتک حرمت در دو مورد اخیر از انواع سه گانه قتل غیر مسلم است، زیرا که قاتلان در این دو قصد هتک حرمت ندارند، بلکه هرگز قصد کشتن را ندارند، بنابراین هتک حرمت به عمل آن دو صدق نمی کند. (شهید ثانی، الروضه البهیة، ۱۰/۱۸۳)

نتیجه

اگر چه برخی از روایت هایی که حکایت از تغلیظ دیه در ماه های حرام دارد، اطلاق داشته و شامل قتل عمد و غیر عمد می شود؛ اما در مقابل روایت های دیگری هستند که به قتل خطایی در ماه های حرام تصریح داشته و هیچ دلالتی بر تغلیظ دیه به میزان یک سوم ندارند که در این نوشتار، روایت های ذکر شده در گروه نخست و گروه سوم از این قبیل اند، بنابراین می توان این روایت ها را که برخی از آنها از نظر سندی نیز قوت دارند به عنوان قرینه و مقیدی برای اطلاقات روایت های گروه دوم دانست. هم چنین در کلام برخی از فقها به انتهاک (هتک حرمت) به عنوان تعلیل در تغلیظ دیه اشاره شده، در حالی که در قتل غیر عمد و در برخی از قتل های عمد که در حکم غیر عمد و خطای محض است؛ مانند قتل عمدی کودک و دیوانه اساساً به واسطه ی فقدان عنصر قصد، انتهاک مصداق پیدا نمی کند، پس اگر بپذیریم انتهاک علت تغلیظ است، این علت به

صورت کامل در قتل عمد وجود دارد؛ اما در قتل شبه عمد اگر چه ممکن است به علت بی‌مبالاتی قاتل و داشتن قصد فعل، شبهه تحقق انتهاک قابل تصور باشد، ولی به نظر می‌رسد که بی‌مبالاتی نمی‌تواند موجب تحقق انتهاک باشد و هم چنین در قتل خطای محض وجود این علت به طور قطع منتفی است، زیرا قاتل، قتلی را انجام داده که در فعل عامد نبوده و در قصد خاطی بوده است. حال با عدم تمامیت و صراحت روایت‌های تغلیظ در این قسم از قتل و قابلیت روایت‌های بیان کننده حکم تغلیظ به تقیید در قتل عمد جایی برای قایل شدن حکم تغلیظ در قتل غیرعمد باقی نمی‌ماند.

هم چنین اگر ادله‌ی اجتهادی را در این جا ناتمام یافتیم مقتضی اصل عملی، برائت از مقدار زاید در قتل غیرعمداست. بنابراین جا دارد که قانون گذار با تجدید نظر در ماده‌ی ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی، حکم تغلیظ دیه را از قتل غیرعمد سلب نماید.

فهرست منابع و مأخذ:

- * قرآن کریم
۱. ابن منظور، لسان العرب، نشر أدب الحوزة، المطبعة: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى ۱۴۰۵ هـ ق.
 ۲. الأسدی، ابومنصور الحسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام (ط.ج)، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، چاپ اول ۱۴۱۹ هـ ق.
 ۳. اصفهانی، بهاء الدین محمد بن الحسن (فاضل هندی)، كشف اللثام (ط. ق)، ناشر: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی - قم،
 ۴. الإحسانی، محمد بن علی بن ابراهیم (ابن ابی جمهور)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق: سید مرعشی و شیخ مجتبی عراقی، چاپ‌خانه سیدالشهداء - قم، چاپ اول ۱۴۰۳ هـ ق.
 ۵. اردبیلی، احمد (محقق اردبیلی)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ناشر و چاپ‌خانه: جامعه المدرسین - قم، بی‌تا.
 ۶. جبعی‌العاملی، زین الدین، الروضة البهیة فی شرح اللمعة‌الدمشقیة (ط ج)، دارالعالم الاسلامی، بیروت، بی‌تا.
 ۷. -----، مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، تحقیق و نشر: مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ ق
 ۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة (آل البيت)، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث - قم، چاپ دوم ۱۴۱۴ هـ ق.
 ۹. حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، فقه الصادق (ع)، ناشر: مؤسسه دارالکتاب - قم، چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ ق
 ۱۰. راغب اصفهانی، أبوالقاسم‌الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ناشر: دفتر نشر کتاب، چاپ اول ۱۴۰۴ هـ ق.

۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، بی تا.
۱۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه - بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق.
۱۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تحقیق سیدحسین موسوی خراسانی، تصحیح: شیخ محمد آخوندی، ۱۳۹۰ هـ ق، ناشر: دارالکتب الاسلامیه - تهران.
۱۴. -----، -----، تهذیب الاحکام فی شرح المقننه، ناشر: دارالکتب الاسلامیه - تهران، چاپ چهارم ۱۳۶۵ هـ ش.
۱۵. -----، -----، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات قدس محمدی - قم، بی تا.
۱۶. فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، بی نا، بی جا، چاپ اول ۱۴۱۵ هـ ق.
۱۷. قلنجی، محمد، معجم لغه الفقهاء، دارالنفاس - بیروت، چاپ دوم ۱۴۰۸ هـ ق.
۱۸. قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ناشر: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه - قم، چاپ دوم ۱۴۰۴ هـ ق.
۱۹. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ناشر: دارالکتب الاسلامیه - تهران، چاپ سوم ۱۳۶۷ هـ ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه - تهران، ۱۳۶۳ هـ ش.
۲۱. مصلحی، علیرضا، قانون مجازات اسلامی در آراء دیوان عالی کشور، ادبستان، تهران، چاپ دوم سال ۱۳۸۱.
۲۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ناشر: لطفی و دارالهادی - قم، چاپخانه العلمیه - قم، چاپ دوم ۱۳۹۶ هـ ق.
۲۳. -----، -----، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (کتاب الطهاره)، ناشر: لطفی، چاپخانه مهر - چاپ دوم ۱۴۱۴ هـ ق.
۲۴. -----، -----، التنقیح فی شرح العروه الوثقی (کتاب الصوم)، ناشر: لطفی و دارالهادی - قم، چاپخانه العلمیه - قم، ۱۴۰۷ هـ ق.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه نشر اسلامی - قم، بی تا.
۲۶. موسوی عاملی، سید محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، مؤسسه آل البيت (ع) لیا حیات التراث - مشهد، چاپ اول ۱۴۱۰ هـ ق.
۲۷. -----، -----، نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، طبع و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ ق.
۲۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق رضا استادی، ناشر: المکتبه الاسلامیه، چاپ ششم ۱۴۰۴ هـ ق.
۲۹. نراقی، احمد بن مهدی، مستند الشیعۀ فی احکام الشریعۀ (ط. ج)، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت (ع) - مشهد، چاپ اول ۱۴۱۵ هـ ق.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ ق.

* لوح فشرده المعجم